

www.salampnu.com

سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

www.salampnu.com

حقوق جزای خصوصی اسلام

رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

۲ واحد

مؤلف: دکتر عابدین مومنی

تهیه کننده:

دکتر محمد حسین شعبانی

استادیار دانشگاه پیام نور

مشخصات منبع

منبع اصلی : گزیده حقوق جزای خصوصی اسلام

تالیف : دکتر عابدین مومنی

انشارات دانشگاه پیام نور

سال انتشار : ۱۳۸۴

جایگاه درس

این درس از دروس تخصصی رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی است .
برای آشنایی دانشجویان با حقوق کیفری اسلام – حدود، تعزیرات و دیه
تألیف شده است.

اهداف درس

این درس برای آشنایی دانشجویان با حقوق کیفری اسلام تألیف شده است .
هدف از اجرای حدود در اسلام اصلاح فرد و صیانت جامعه است .
اجرای کیفر هم مجرم را از جرم باز می دارد و باعث عبرت دیگران می گردد
و هم باعث مصونیت جامعه می گردد .

هدف كلي كتاب

با مطالعه این کتاب دانشجو می تواند:
با مباحث حدود، دیات و قصاص که از قوانین کیفری اسلامی است آشنا شود.

مقدمه

اسلام مجازات:

تمام ادیان، لزوم مجازات برای کنترل وقوع جرم و جنایت را پذیرفته اند ولی در کیفیت، مقدار و شرایط مجازات اختلاف دارند. اسلام مجازات را تعدیل و به آن جهت اخلاقی داده است و قصد تربیتی و باز پروری دارد.

مبانی مجازات اسلامی

- ۱- حرمت و کرامت انسان مورد توجه قرار می گیرد.
- ۲- بنا بر احتیاط است به کمترین بهانه اشخاص را از مجازات معاف می دارد.
- ۳- در مجازات اسلامی بنا بر تخفیف است، باید راه را به گونه ای جهت داد که اشخاص دل به صلاح و کمال بسپارند .

مجازات شرعی

اصطلاحی که در حقوق جزایی اسلام برای مجازات وضع گردیده عبارتند از:
حدّ که جمع آن حدود است و تعزیر که جمع آن تعزیرات است می باشد و قصاص
و دیات که در سه بخش مورد بحث قرار می گیرد.

تفاوت حق الله و حق الناس

حق الله: از کیفر و مجازات جرایم و گناہانی بحث می شود که آن جرم و گناہ نسبت به خداوند انجام گیرد.

حق الناس: از جرایمی بحث می کند که نسبت به مردم انجام گیرد.

در حق الناس صاحب حق مختار است که از حق خودش صرف نظر نماید اما در حق الله رأی مردم تأثیری در آن ندارد.

نظر آیت ... خویی در باره حق و حکم

حق و حکم دارای ماهیت اعتباری هستند. این مجعولات شرعی بر شش قسم اند که عبارتند از :

- ۱- تکلیف الزامی مانند واجبات و محرمات
- ۲- تکلیف غیر الزامی مانند مستحبات و مکروهات
- ۳- حکم وضعی لزومی که فسخ قبول می کند مانند بیع، اجاره و ...
- ۴- حکم وضعی لزومی که فسخ قبول نمی کند مانند عقد ازدواج
- ۵- حکم وضعی ترخیصی که قابل اسقاط است مانند حق شفعه
- ۶- حکم وضعی ترخیصی که قابل اسقاط نیست مانند جواز در عقد هبه

مفهوم حق

حق در لغت به معنی ثبوت است، لذا اطلاق حق بر چیزی که در ظرف مناسب خودش ثبوت و تقرر داشته باشد صحیح است. بر خبر راست و درست حق گفته می شود زیرا مضمون آن در واقع و نفس الامر ثابت است.

حق در معنی عام عبارت است از : سلطه ای که برای شخص بر شخص دیگر یا مال یا شیئی جعل و اعتبار می شود.

مفهوم حدّ

حد در لغت به معنی منع کردن است به همین جهت دربان را حدّاد نامیده اند چون که مانع از ورود مردم می شود.

در اصطلاح حقوق جزایی اسلام حدّ عبارتند از :

هر چیزی که برای آن شرعاً مجازاتی که مقدار آن معین شده باشد ، و آن مجازات به سبب حق الله تعالی واجب است.

مفهوم تعزیر

برای کلمه تعزیر که مصدر باب تفعیل، از ریشه عَزَّر است چند معنی ذکر شده است که عبارتند از:

تعظیم و توقیر، منع کردن، برگرداندن، ادب کردن و توقیف نمودن است.

در حقوق جزایی اسلام از تعزیر همان ادب کردن را اداره نموده اند.

در اصطلاح عقوبت یا اهانتی که غالباً مقدار آن به وسیله شرع تعیین نشده باشد.

تفاوت حد و تعزیر

- ۱- تعزیر در طرف کم مقدار ندارد.
- ۲- آزاد و غلام در کیفر تعزیری مساوی اند اما حدّ غلام نصف حدّ آزاد است.
- ۳- کم و زیاد تعزیر بر اساس بزرگی و کوچکی جنایت مشخص می شود، ولی در حد چنین نیست.
- ۴- تعزیر بر حسب فاعل، مفعول و جنایت تفاوت پیدا می کند اما در حدود یکسان است.
- ۵- حاکم شرع در اقامه انواع تعزیر مختار است.

تأدیب

بعضی از فقها میان تعزیر و تأدیب فرق قایل شده اند. تعزیر اسم کیفری است که انجام آن به امام یا نایب او اختصاص دارد. بعضی از فقهای امامیه کتک زدن کودکان و دیوانگان را تأدیب نامیده اند. بر اساس این گفتار غیر از حد و تعزیر کیفر دیگری وجود دارد که تأدیب نامیده می شود.

اسباب حدّ

اسباب حدّ عبارتند از:

- ۱- زنا
- ۲- لواط
- ۳- قذف یا نسبت ناروا
- ۴- شرابخواری
- ۵- دزدی
- ۶- راهزنی

حکمت مجازات شرعی

تمامیت شریعت برای حفظ پنج چیز است که عبارتند از:

۱- دین

۲- جان

۳- عقل

۴- نسب

۵- مال

این پنج چیز از اموری هستند که هر شریعتی باید برای حفظ آنها کوشا باشد.

بخش اول حدود

هدف کلی:

دانشجو با مطالعه ی این بخش با مفاهیم حدود اسلامی آشنا می شود.

فصل اول

حکم قذف و قصاص کلامی و کیفر آن

هدف کلی:

با مطالعه این فصل دانشجو با قذف و حکم قصاص کلامی آشنا می شود.

هدف های رفتاری:

از دانشجو پس از مطالعه این فصل انتظار می رود:

حکم قذف و کیفر آن را به اختصار توضیح دهد.

حکم جسارت به مردم را توضیح دهد.

حکم کیفر شک نسبت به پیامبر را توضیح دهد.

حکم قصاص کلامی

یکی از انواع تعرض های افراد به یکدیگر تعرض کلامی و دادن نسبت های ناروا، جسارت کردن و توهین است.
مقابله به توهین تکرار معصیت است و باید از تکرار معصیت اجتناب شود.
علی (ع) فرمودند: در کلام و سخن قصاص نیست.

حکم قذف در شریعت اسلام

در دیدگاه اسلام همان گونه که جان افراد احترام دارد، مال و حیثیت انسانها هم احترام دارد، و تعرّض به حیثیت افراد همانند تعرّض به جان و مال، مجازات و کیفر دارد.

نسبت دادن افراد پاکدامن و مومن به زنا و لواط که در اصطلاح فقهی آن نسبت دادن را قذف می گویند از گناهان کبیره است.

فلسفه حرمت قذف از نظر امام رضا (ع):

خداوند متعال قذف پاکدامن را حرام کرده، به جهت مفاسدی که در آن هست که عبارتند از:

- ۱- به هم خوردن نسبت انسانها
- ۲- نفی ولد و انکار فرزندی
- ۳- به هم خوردن مواریث
- ۴- رها کردن تربیت فرزند
- ۵- از بین بردن معارف
- ۶- آنچه در قذف وجود دارد از گناهان بزرگ و علت هایی که منجر به فساد خلق می شود.

حکم جسارت به اشخاص

جسارت به افراد، نامشروع و حرام است . کسی که مرتکب آن حرام شده است ، لازم است که تعزیر شود، به شرط آن که به کسی که نسبت ناروا داده شده است تظاهر به آن عمل نکرده باشد.

اگر کسی آشکارا مرتکب فسق و فجور شده باشد احترامی ندارد و فاسق خواندن او تعزیر ندارد.

لقب های زشت کفار به یکدیگر

احکام اسلام بر کسانی جاری می شود که اسلام را پذیرفته باشند
بنا بر این اگر کفار همدیگر را با لقب های زشت بخوانند،
یا اینکه به سبب بعضی از بیماریها و نواقص اسمهایی مانند ((لوچ))، ((لنگ)) و امثال
آن را روی همدیگر بگذارند تعزیر نمی شوند.
البته تعزیر نشدن آنها در صورتی است که زیانی برای جامعه اسلامی نداشته باشد.

کیفر دشنام به پیامبر اسلام (ص)

دشنام به پیامبر اسلام (ص) و عیب گرفتن از آن حضرت خوار کردن دین مقدس اسلام و پست شمردن اسلام و پیروان اسلام است.
در قوانین کیفری اسلام، مجازاتی که بابت ناسزا به پیامبر اسلام (ص) وضع گردیده، قتل است و در این حکم میان فقهای امامیه اختلافی نیست.



حکم دشنام نسبت به مادر پیامبر (ص)

هرگاه مسلمانی به مادر حضرت خاتم (ص) نسبت ناروا دهد و او را قذف نماید، کیفر او قتل است و اگر از معصیتی که مرتکب گردیده توبه نماید، در صورتی که مسلمان زاده باشد، توبه او پذیرفته نمی شود، زیرا اگر مسلمان نسبت زنا به مادر پیامبر (ص) دهد مرتد می شود.

شرط مجاز بودن به قتل رساندن دشنام دهنده

کشتن ناسزاگو و دشنام دهنده در صورتی برای همه مسلمانان بدون اذن از دادگاه و حاکم شرع جایز است که به قتل رساندن او ضرر جانی، حیثیتی و مالی غیر قابل تحمل برای کشنده در بر نداشته باشد، در صورتی که برای کشنده ضرری داشته باشد تکلیف منتفی است.

حکم دشنام دادن به ائمه

در نظام کیفری اسلام بر اساس فقه شیعه، حکم دشنام به یکی از دوازده تن امامان و حضرت صدیقه طاهره که درود خداوند متعال بر همه آنان باد همانند حکم دشنام به رسول خدا (ص) است، به جهت آن که امامان معصوم (ع) و حضرت فاطمه زهرا (س) به منزله خود پیامبر (ص) هستند.

جرائم کودکان و تأدیب آنها

اگر کودکان مرتکب محرمات شرعی شوند، یا آن که تأدیب و تربیت آنها مستلزم کتک زدن آنها باشد، زدن آنها جایز است.

اگر کودکان مرتکب افعالی شوند که در شریعت تحریم شده است برای جلوگیری از ارتکاب اینگونه افعال او را شلاق می زنند ولی از زدن بیش از ده شلاق نهی شده است.

کیفر ترک واجبات

اگر کسی واجبات را ترک نماید و محرمات را مرتکب شود، کیفر چنین آدمی تعزیر است، که حاکم شرع بر اساس مصالح کیفر آن را معین می کند. البته اعمال تعزیر در صورتی است که در قوانین کیفری اسلام، مجازات مشخصی برای آن ذکر نشده است.

حکم شک نسبت به نبوت پیامبر اکرم (ص)

هرگاه مسلمانی نسبت به نبوت پیامبر اسلام (ص) شک و تردید نماید کیفر و مجازات او قتل است، زیرا شک او انکار صداقت پیامبر (ص) است و انکار صداقت آن حضرت موجب ارتداد و مستوجب قتل است.

اما اگر غیر مسلمان نسبت به نبوت پیامبر اسلام (ص) تردید داشته باشد مجازاتی ندارد.

کیفر ساحر

از جمله محرمات در اسلام سحر است. در حرمت آن هیچگونه اختلافی نیست. اگر ساحر مسلمان باشد و سحر کردن را جایز بداند، به اتفاق فقهای اسلام کیفر او قتل است.

در صورتی که ساحر کافر باشد کیفرش تعزیر است.

حکم مدعی نبوت

بر اساس بینش اسلام، حضرت محمد (ص) آخرین پیامبر بر حق الهی است. خاتمیت پیامبر اسلام (ص) از ضروریات دین اسلام است، و هر مسلمانی آن را انکار نماید مرتد و خارج از دین می باشد. اگر کسی در جامعه اسلامی ادعای نبوت و پیامبری نماید، کیفر او قتل است.

فصل دوم حکم شراب و کيفر آن

هدف کلی:

با مطالعه این فصل دانشجو با حکم شراب و کيفر آن آشنا می شود.

هدف های رفتاری

پس از مطالعه این فصل از دانشجو انتظار می رود که:

حکم مشروبات مست کننده از نظر اسلام را بیان کند.

کيفر شرابخواری را توضیح دهد.

حکم تکرار شرابخواری را توضیح دهد.

حکم مشروبات از نظر اسلام

حرمت مشروبات مست کننده در اسلام، معلوم و ضروری است.
قرآن نوشیدن مشروبات مست کننده را از عمل شیطان خوانده است.
حرمت شراب اختصاص به خمر ندارد بلکه شامل هر چیزی که مست کنندگی
صفت غالب آن جنس باشد مثل آب جو نیز می شود.

کیفر شرابخوارگی

فرد بالغ عاقل از روی علم و اختیار شراب یا هر مست کننده دیگری را بیاشامد، در صورتی که مسلمان باشد واجب است مجازات گردد و کیفر او هشتاد تازیانه است.

هرگاه کافری که در پناه حکومت اسلامی زندگی می کند تظاهر به شرابخوارگی کند به هشتاد تازیانه محکوم می شود.

کیفیت تازیانه زدن بر شرابخوار

در اجرای کیفر شلاق بر شرابخوار لازم است که شرابخوار برهنه باشد، و شلاق بر پشت و کتف او زده می شود و از زدن صورت، عورت و جاهای مرگبار خودداری شود و زدن شلاق بر تمام بدنش تقسیم شود.
حدود وقتی جاری می شود که محکوم از حال مستس بیرون آمده باشد.

حکم تکرار شرابخواری

هرگاه شرابخوار بعد از مواخذه شدن، شرابخواری را تکرار نماید، فتوای مشهور فقهای امامیه این است که در دفعه سوم، یعنی بعد از دوبار مجازات شدن کیفر او قتل است.

اما شهید اول گفته است : در دفعه چهارم شرابخوار به قتل می رسد.

حکم شرابخواری که آن را حلال بداند

حکم حرمت شراب در اسلام، از ضروریات دین و شرع مقدس اسلام است. کسی که آن را حلال بداند اگر مسلمان زاده باشد با حلال دانستن شراب، کافر فطری محسوب می گردد، در توبه دادن یا عدم آن اختلاف است مشهور گفته اند: توبه داده نمی شود و کشته می گردد.

عوامل سقوط حد

هرگاه پیش از اثبات آشامیدن شراب در دادگاه، از معصیت خودش توبه نماید حدّ از او ساقط می‌گردد. اما اگر بعد از اثبات شرابخواری مجرم در دادگاه توبه نماید کیفر از او ساقط نخواهد شد.

اما اگر خودش اقرار کند و بعد توبه نماید مشهور گفته اند:
حاکم در اجرای حدّ و عفو مخیر است.

راههای اثبات شرابخواری در دادگاه

هرگاه بالغ، عاقل، آزاد و از روی اختیار دوبار اقرار به شرابخواری نماید، یا اینکه دو نفر مرد عادل، به شرابخواری کسی شهادت دهند، معصیت او اثبات می شود.

اما اگر یکی از گواهان شهادت به آشامیدن شراب دهد و دیگری گواهی به استفراغ نمودن، در شرابخواری بین فقها اختلاف است.

ادعای اکراهی بودن شرب شراب

حدّ در صورتی بر شرابخوار اقامه می شود که از روی اختیار و اراده شراب بنوشد، اما اگر کسی را مجبور به شرب شراب خوردن نمایند مجازات نمی شود، زیرا اکراه سبب رفع تکلیف است. یعنی اگر مجبور به کاری شود، حکم آن کار از او برداشته می شود.

حکم جاهل نسبت به موضوع با حکم شراب

تکلیف زمانی بر مکلفین قطعی می شود که آنان علم به موضوع یا حکم تکلیف داشته باشند، بنا براین اگر کسی نسبت به مایعی جاهل باشد که مست کننده است یا از حکم حرمت شراب بی خبر باشد و شراب بنوشد، مجازات نمی شود.

فصل سوم

حکم سرقت و کیفر آن

هدف کلی:

پس از مطالعه این فصل دانشجو با حکم سرقت و کیفر آن آشنا می شود.

هدفهای رفتاری:

پس از مطالعه این فصل از دانشجو انتظار می رود:

حکم سرقت و کیفر آن را از نظر اسلام بیان کند.

شرایط کیفر و مجازات سارق را توضیح دهد.

حکم سرقت از نظر اسلام

از جمله گناهان کبیره در اسلام، سرقت است.
خداوند متعال دزدی را حرام کرد، زیرا اگر دزدی حرام و مباح بود سبب فساد اموال و قتل آدمها می شد.
دزدی سبب مفسد اقتصادی، اخلاقی، اجتماعی می باشد. لذا خداوند آن را حرام کرده است.

شرایط کیفر و مجازات دزد

مجازات سرقت بریدن دست دزد است و شرایط آن عبارتند از:

- ۱- بلوغ
- ۲- عقل
- ۳- گرفتن مال از حرز
- ۴- شکستن حرز
- ۵- داشتن اختیار
- ۶- عدم شبهه ملکیت
- ۷- یک چهارم دینار طلای خالص
- ۸- ربودن مخفیانه
- ۹- دزد، پدر صاحب مال نباشد

- ۱۰- در سال قحطی و از خوراکیها نباشد.
- ۱۱- دزدی شده مال باشد.
- ۱۲- مال دیگری باشد.
- ۱۳- مال محترم باشد.
- ۱۴- سارق ملتفت باشد.
- ۱۵- بداند که حرام است.
- ۱۶- مضطر نباشد.
- ۱۷- حرز مال سارق نباشد.
- ۱۸- مال را به عنوان دزدی بردارد.
- ۱۹- از اموال دولتی، وقف و ... نباشد.

فصل چهارم حکم محارب و کیفر آن

هدف کلی:

پس از مطالعه این فصل دانشجو با حکم محارب و کیفر آن آشنا می شود.

هدف های رفتاری:

پس از مطالعه این فصل از دانشجو انتظار می رود که:

دیدگاه اسلام را در مورد محارب بیان کند.

حکم محارب را بنابر انگیزه بیان کند.

ادله اثبات محارب را ذکر کند.

دیدگاه اسلام در مورد محارب

محارب از ریشه حرب به معنی جنگ استعمال می شود، ولی معنای اصلی آن گرفتن اموال دیگری از روی قهر و سلطه است.

در قانون آمده است: محارب هر کس که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد محارب و مفسد الارض می باشد.

انگیزه محارب

در گذشته انگیزه محاربان غارت و تاراج اموال مردم بوده است. امروزه کسانی که قیام مسلحانه علیه حکومت اسلامی نمایند و برای این منظور اقدام به تهیه اسلحه کنند، یا در کودتا شرکت نمایند و خودشان را نامزد پست های حکومت کودتا نمایند، محارب و مفسد الارض هستند.

راههای اثبات محاربه

محاربه با شهادت دو مرد عادل ثابت می شود، به شرط آنکه گواهی شاهدان در معرض تهمت نباشد.

راه دوم، اقرار است که با یک بار اقرار محاربه اثبات و مجازات می شود به شرطی که اقرار کننده بالغ، عاقل، مختار و قاصد به اقرارش باشد.

کیفر محارب

حدّ محارب عبارتند از:

۱- کشتن

۲- به دار کشیدن

۳- دست و پای او را به عکس یکدیگر بریدن

۴- تبعید

قانون مجازات اسلامی کیفر محارب را به اختیار قاضی واگذار کرده است.

احکام به دار آویختن محارب

آرای فقها در مورد به دار آویختن محارب مختلف است. کسانی که کیفر را به ترتیب می دانند، فتوا دادند که محارب را بعد از کشتن به دار می کشند، ولی کسانی که کیفر را به اختیار قاضی واگذار نمودند فتوا دادند که محارب را زنده به دار آویزان می کنند.

احکام تبعید محارب

مقصود از تبعید ((نفی بلد)) ، این است که محارب را از محل زندگی و شهر خودش به شهر دیگری روانه می کنند، که در آن شهر به صورت منزوی و تنها به سر ببرد.

قانون مجازات اسلامی می گوید: مدت تبعید در هر حال کمتر از یک سال نیست، اگر چه بعد از دستگیری توبه نماید.

حکم توبه محارب

هرگاه محارب پیش از دستگیری توبه نماید، حد که حق الله است بر او اقامه نمی شود، اما حق الناس از او برداشته نمی شود.

اگر بعد از دستگیری توبه نماید، اثری در اسقاط حد، قصاص و قرامت مالی ندارد. زیرا محتمل است که توبه بعد از دستگیری صادقانه نباشد و از ترس مجازات توبه کرده باشد.

دزد در حکم محارب

در روایتی که در مورد محارب وارد گردیده دزد را محارب نامیده اند.
شهید اول گفته: در صورتی، دزد محارب است که تظاهر به آن کند، یعنی علنی
و با زور جهت گرفتن اموال وارد خانه آنها شود.
اگر کسی برای دفاع از مال خودش به دفع دزد پرداخت، و اگر دفع دزد جز با
کشتن او ممکن نبود، خون او هدر است.

اشکال ربودن اموال

ربودن اموال مردم شکل های مختلف دارد :

__ محاربه : که با اسلحه به غارت مردم پردازد.

__ سرقت : به صورت مخفی مال را از حرز می گیرد.

__ اختلاس : ربودن مال دیگران به صورت مخفی و از غیر حرز است.

__ استلاب : علنی و بدون تهدید مال را می رباید و فرار می کند.

شکل دیگر با حيله و تقلب مال مردم را می رباید، مانند نامه های دروغی

حکم داروهای خواب آور

اگر شخصی برای ربودن مال کسی به او داروهای خواب آور بی هوش کننده و امثال آن بخوراند و اموال او را بریاید یا جنایتی بر او وارد نماید. شخص ضامن اموال و جنایت است و بابت جنایت نیز یا قصاص شود یا دیه بپردازد و برای خوراندن آن دارو نیز تعزیر شود.

فصل پنجم

حکم گناهان متفرقه و کیفر آن

هدف کلی:

با مطالعه این فصل دانشجو با حکم گناهان متفرقه و کیفر آنها آشنا می شود.

هدف های رفتاری:

پس از مطالعه این فصل از دانشجو انتظار می رود که:

کیفر ارتداد را بیان کند .

اقامه مرتد و علامت ارتداد را بیان کند .

مجازات و کیفر مرتد فطری و ملی را ذکر کند .

معنای ارتداد

ارتداد به معنی برگشتن از دین و کافر شدن بعد از مسلمان بودن است. اگر کسی منکر خداوند یا وحدانیت او، و یا یکی از صفات جلال و جمال او شود، یا نبوت حضرت محمد (ص) یا یکی از ضروریات دین را انکار کند یا این که چیزی را ضرورتاً می داند از اسلام نیست به اسلام نسبت بدهد مرتد است.

اقسام مرتد

مرتد بر دو قسم است مرتد فطری و مرتد ملی
مرتد فطری به کسی گفته می شود که مسلمان زاده باشد یا هنگام انعقاد نطفه
او یا هنگام ولادت او والدین یا یکی مسلمان باشند.
بعضی از فقها گفته اند: اگر پدر یا مادر او مسلمان باشد تصدیق و التزام به
اسلام بر او الزامی است.
برخی گفته اند: اگر بعد از بلوغ اسلام را اظهار و سپس انکار کرد مرتد خواهد
بود.

مرتد ملی

کسی که هنگام انعقاد یا ولادت او پدر و مادرش کافر باشند یا در هنگام بلوغ اظهار اسلام نکرده باشد، سپس مسلمان گردد اسلام او فطری نیست، بلکه از دین و ملیتی دیگر به اسلام آمد، اگر مجدداً از اسلام برگردد و کافر شود او را مرتد ملی می خوانند.

علامت ارتداد

اگر کسی سخنی را از روی علم و تعمّد اظهار بدارد که متضمن کفر باشد و معتقد به آن باشد مرتد است، یا اینکه کاری را از روی عمد و آگاهی و اعتقاد انجام دهد که متضمن کفر باشد، یا اسلام و احکام آن را مسخره کند، جسارت به پیامبر اسلام (ص) یا یکی از پیامبران پیشین یا امامان معصوم نماید مرتد محسوب می شود.

مجازات و کیفر مرتد فطری

اگر مرتد فطری باشد کیفرش قتل است و توبه او پذیرفته نمی شود.
زنش از زمان ارتداد، عدّه وفات نگه می دارد، و اموال مرتد، بعد از پرداخت دیون او میان وارثین او تقسیم می گردد، چون که شرعاً از لحظه ارتداد مالکیت او نسبت به اموال سلب می گردد.

حکم ارتداد طفل، مجنون و مکره

طفل در اسلام و عدم اسلام تابع والدین است، هرگاه نسبت به طفل حکم اسلام شود و آن طفل اسلام را انکار نماید و مرتد شود، تأدیب می شود.
مجنون در حکم ولی خودش است، لذا اگر اظهار کفر نماید تأدیب می شود.
اظهار کلمه کفر در حال اکراه حکمی ندارد.

مجازات و کیفر مرتد ملی

مرتد ملی را وادار به توبه می کنند اگر از ارتداد توبه کرد رها می شود و اگر از توبه امتناع کرد، کشته می شود.

زن مرتد ملی از لحظه ارتداد عده طلاق نگه می دارد. در ایامی که انتظار توبه مرتد می رود از تصرف در اموال خود محجور می باشد.

حکم زن مرتد

زن اگر از دین برگردد و مرتد شود، حتی اگر مرتد فطری هم باشد کشته نمی شود بلکه توبه داده می شود. اگر توبه کرد رها می شود اگر توبه نکرد زندانی می شود و در خوراک و لباس بر او سختگیری می شود.
ظاهراً خنثی در حکم ارتداد ملحق به زن است.

حکم دفاع از جان، مال، و ناموس

قانون برای جامعه به منظور حفظ جان و مال و ناموس یا بازداشتن از اضرار انسانها به همدیگر می باشد.

بنابراین حفظ جان و دفاع از ناموس واجب است، اگر به او هجوم کردند و او می تواند او آنها را دفع کند، واجب است آنها را دفع کند.

اما اگر ظن بر ناتوانی و هلاکت خودش دارد باید از مقابل آنها بگریزد.

شرایط دفاع

در صورتی مدافع شروع به دفاع می کند که بداند مهاجم قصد حمله دارد.
هرگاه در هنگام حمله مهاجم جراحی بر او وارد شود ضامن نیست.
اما اگر مهاجم ترک هجوم کرده و در حال فرار مدافع دست یا پای او را قطع کند ضامن است.

ادعای مهاجم بودن مقتول

هرگاه شخصی با اسلحه گرم یا سرد وارد منزل کسی شود، صاحب منزل او را به قتل برساند و ادعا کند که مقتول مهاجم بوده، بر قاتل واجب است که اقامه بیّنه کند بر اینکه او با سلاح وارد خانه شده و رو به صاحب منزل کرده بود.

اگر قاتل نتوانست بیّنه اقامه کند، ضامن خون مقتول است.

حکم آسیب دیدن طفل و زوجه

برخی از فقها فرمودند: اگر تأدیب طفل و زوجه منجر به آسیب دیدن یا مرگ آنها شود تأدیب کننده ضامن است .

بعضی از فقها گفته اند: چون کتک زدن طفل به وسیله پدر و معلم و نیز کتک زدن زوجه به وسیله شوهر شرعاً جایز است، آسیب وارد شده ضامن ندارد.

بخش دوم قصاص

هدف کلی:

دانشجو با مطالعه این فصل، جایگاه نفس و قصاص و مفاهیم و احکام آن از دیدگاه اسلام آشنا می شود.

حق حیات

در دیدگاه اسلام، انسان همانند دیگر اجزای جهان آفرینش مملوک خداوند است.

بنابراین حق حیات پیش از آنکه حق بشر باشد حق الهی است. بلکه آنچه برای انسان نسبت به حیات مطرح است وظیفه و تکلیف می باشد.

انسان قبل از آنکه نسبت به حیات، حق داشته باشد، تکلیف دارد که آن را حفظ و نگهداری نماید.

فلسفه حرمت خودکشی و کشتن دیگران

ارزش ذاتی حیات به لحاظ استناد آن به خداوند متعال است. حیات یک امر طبیعی نیست بلکه یک امر معنوی یا مجرد است که با فیض مستقیم خداوند به وجود می آید.

خداوند حیات را براساس حکمی ایجاد کرده است، هرگاه بدون اذن او با حیات معارضه شود با هدف آفرینش مخالفت شده است.

احترام انسان

از دیدگاه اسلام جهان آفرینش و به ویژه انسان مورد احترام است. این احترام ویژه از جهت آن است که انسان دارای روح الهی است. بنا براین در نظام اسلامی هر گونه تعدّی، توهین و جسارت انسانها به همدیگر تحریم گردیده است.

راههای پیشگیری از تعدّی

اسلام برای ممانعت از تعدّی انسانها به یکدیگر دو راه در پیش گرفته است.

۱- برای مومنین به خداوند و قیامت و متدینین به شریعت، وضع کیفرهای معنوی.

۲- برای مومنین غیر متعهد و بی تقوی ، وضع کیفرهای مادی که عبارتند از قصاص و دیات.

فصل اول

قصاص نفس

هدف کلی:

با مطالعه این فصل دانشجو با مفهوم قصاص و انواع قتل ها آشنا می شود.

هدف های رفتاری:

پس از مطالعه این فصل از دانشجو انتظار می رود که:

مفهوم قصاص نفس را بیان کند.

انواع قتل ها را نام ببرد.

قتل شبه عمد و قتل خطایی را توضیح دهد.



لغت قصاص

قصاص در لغت به معنای « به دنبال و در پی اثر و نشانه رفتن » است.
هرگاه گفته شود: «قصّ اثره» مقصود این است که او را متابعت و پیروی کرده
است، و در اصطلاح کیفری قصاص برای دریافت کامل حق و برابر انجام
دادن جنایت است.
معنای اصطلاحی مناسب تمام با معنای لغوی آن دارد.

قصاص نفس

کشتن قاتل است در مقابل فعلی که انجام داده است را اصطلاحاً قصاص نفس می نامند.

سبب قصاص نفس عبارتند از :

بیرون کردن جان از تن شخصی که شرعاً کشتن او جایز نیست، در حالی که قاتل از حیث ویژگی ها با مقتول برابر بوده، عمداً و از روی دشمنی اقدام به کشتن مقتول کرده است.

قتل عمد ومصادق آن

قتل عمد با قصد بالغ و عاقل به کشتن و یا انجام دادن کاری که غالباً یا اتفاقاً موجب قتل گردد محقق می شود.

هرگاه کسی، دیگری را با ابزاری که غالباً کشنده نیست به اندازه ای بزند که بدن مضروب طاقت آن مقدار کتک را نداشته باشد، قتل عمد است. یا بیماری بوده که به علت بیماری آن را تحمل نکرده، قتل واقع شده قتل عمد است.

قتل شبه عمد

قتل شبه عمد قتلی است که مجرم تعمد بر فعل دارد و با اراده فعل را انجام می دهد، اما قصد کشتن ندارد و در قصد او خطا به وجود می آید. مثلاً به قصد تأدیب می زند و قصدش ادب کردن است ولی به طور اتفاقی منجر به قتل می شود، که در اصطلاح گفته می شود قصد به نتیجه را نداشته است.

قتل خطایی

قتل خطایی عبارت است از این که جانی در فعل و قصد مرتکب خطا شود، چنان که قصد رانندگی دارد اما در اثر برخورد به عابر، او را به قتل می رساند یا قصد شکار دارد، اما تیر او به انسانی اصابت می کند. گاهی ممکن است اصلاً قصد فعلی هم نداشته باشد، ولی عمل او منجر به جرمی می شود.

حکم اجتماع سبب و مباشر

مباشر به کسی گفته می شود که دخالت مستقیم در وقوع قتل دارد.
منظور از سبب در اینجا، ایجاد کردن زمینه قتل و فراهم کردن ابزار قتل است.

در اجتماع سبب و مباشر هر یک از سبب یا مباشر در وقوع جرم و جنایت قوی تر باشد ضامن است.

حکم مباشرت گروهی در کشتن یک نفر

اگر چند نفر در کشتن یک نفر شرکت داشته باشند همه آنها قاتل و جنایتکارند و مستحق قصاص می باشند جز اینکه ولی مقتول به اندازه سهم یک نفر می تواند از همه آنها انتقام بگیرد.
لذا ولی مقتول مجاز است که همه را قصاص کند و مازاد دیه آنها را پرداخت نماید.

حکم مباشرت چند زن در کشتن یک مرد

اگر در کشتن یک مرد چند زن دخات داشته باشند، ولی مقتول مجاز است که همه آنها را بابت قصاص به قتل برساند، ولی واجب است که دیه اضافه بر نفس یک مرد را به آنها بپردازد.

حکم مباشرت یک مرد و یک زن در کشتن یک مرد

اگر مرد و یک زن در کشتن یک مرد مشارکت داشته باشند، در حقیقت دو نفر کامل در قتل مشارکت داشته اند.

بنابر این اگر ولی مقتول هر دوی آنها را قصاص کرد، درحقیقت ولی یک نفر و نصف را قصاص کرده است و باید نصف دیه مرد قصاص شده را به وارثین او بدهد.

فصل دوم شرایط قصاص

هدف کلی:

با مطالعه این فصل دانشجو با شرایط قصاص آشنا می شود.

هدف های رفتاری:

پس از مطالعه این فصل از دانشجو انتظار می رود که:

- شرایط قصاص را نام ببرد.
- شرط تساوی قاتل و مقتول را در آزادی و بندگی بیان کند.
- شرط برابری قاتل و مقتول در دین و اعتقاد را بیان کند.
- شرط محقون الدم را توضیح دهد.

شرایط قصاص

شرایط قصاص عبارتند از:

- ۱- برابر بودن قاتل و مقتول در حریت و بردگی
- ۲- برابری قاتل و مقتول در دین و اعتقاد
- ۳- در صورتی قاتل قصاص می شود که قاتل پدر نباشد.
- ۴- در صورتی که قاتل یا مقتول عاقل باشند قصاص اجرا می شود.
- ۵- قاتل در صورتی قصاص می شود که مقتول « محقون الدم » باشد.

تساوی زن و مرد آزاد در قصاص

زن و مرد آزاد در قصاص برابر و مساوی همدیگر هستند.
یعنی اگر مردی زنی را به قتل برساند، قاتل قصاص می شود ، جز اینکه
اگر مرد را بابت به قتل رساندن زن قصاص کنند، باید نصف دیه مرد را
به وارثین او بپردازند.

برابری قاتل و مقتول در دین

شرط دوم قصاص دین است که قاتل مقتول از لحاظ دین با یکدیگر مساوی و برابر باشند.

باتوجه به اینکه در دیدگاه اسلام میان مسلمان و غیر مسلمان برابری و مساوات وجود ندارد.

یک نفر مسلمان بابت به قتل رساندن غیر مسلمان قصاص نمی شود ولی باید دیه کافر ذمی را بپردازد.

قتل مسلمان توسط کافر ذمی

هرگاه افضل، فروتر را به قتل برساند قصاص نمی شود، اما اگر فروتر برتر را به قتل برساند قصاص می شود.

اگر کافر ذمی مسلمان را به قتل برساند نه تنها قاتل کشته می شود بلکه از پناهندگی حکومت اسلامی و قرار ذمه خارج می شود و کافر حربی شناخته می شود و مال کافر ذمی به اولیای مسلمان مقتول داده می شود.

قصاص کافر با کشتن کافر

از دیدگاه اسلام کفار اهل کتاب دارای مرتبه مساوی و برابر هستند، لذا اگر در پناه حکومت اسلامی باشند و دست به قتل یکدیگر بزنند، مثلاً یهودی، مسیحی یا زرتشتی را بکشد قصاص می شود. اگر نَمّی، نَمّی دیگر را به قتل برساند، آنگاه مسلمان شود قصاص نمی شود، بلکه فقط دیه کافر را پرداخت می کند.

قتل مرتد به دست ذمی

هرگاه کافر ذمی مرتدی را بکشد قصاص می شود، اگر مرتد فطری باشد که توبه اش پذیرفته نمی شود و حکم او قتل است یا مرتد ملی باشد که توبه اش پذیرفته می شود، به جهت آنکه مرتد حکم اسلام را دارد.

مرد نسبت به کافر ذمی «معصوم الدم» است یعنی کشتن مرتد بر کافر ذمی حرام است.

عدم قصاص پدر

سومی شرط از شرایط قصاص دین این است که قاتل پدر مقتول نباشد یعنی اگر پدر فرزند خود را به قتل برساند قصاص نمی شود.
پدر که قصاص نمی شود مقصود پدر مسلمان نیست یعنی حتی اگر پدر کافر باشد یا برده، فرزند مسلمان یا آزاد، پدر قصاص نمی شود.

عقل از شرایط قصاص

شرط چهارم در قصاص عقل است، یعنی قاتل و مقتول عاقل باشند.
اما اگر قاتل دیوانه باشد قصاص نمی شود، حتی اگر دیوانه دوره ای باشد.
در این صورت دیه مقتول باید پرداخت شود و دیه را خویشاوندان پدری
قاتل پرداخت می کنند.

محقون الدم بودن مقتول

شرط پنجم در قصاص این است که مقتول محقون الدم باشد، یعنی کشتن او حرام باشد.

هرگاه شخصی کسی را که کشتن او شرعاً مباح و جایز است به قتل برساند قاتل قصاص نمی شود. بنابراین اگر زناکار یا لواط کار را بکشد چون کشتن چنین فردی شرعاً مباح است قاتل قصاص نمی شود.

فصل سوم ادله اثبات قتل

هدف کلی:

پس از مطالعه این فصل دانشجو با طرق اثبات قتل آشنا می شود.

هدف های رفتاری:

پس از مطالعه این فصل از دانشجو انتظار می رود که:

ادله اثبات قتل را نام ببرد.

اقرار به قتل را بیان کند.

بیّنه و گواهی یا شهادت را بیان کند.

مفهوم قسامه را بیان کند.

ادله اثبات قتل در دادگاه

وقوع قتل از پدیده های قضایی است که باید در دادگاه اثبات گردد، ادله قضایی که در دادگاه برای اثبات قتل مفید است عبارتند از:

۱- اقرار

۲- بیّنه

۳- قسامه

اقرار

اقرار به قتل از ادله قضایی اثبات کننده قتل است، زیرا عقل حکم می کند که فرد عاقل به ضرر خودش سخن نمی گوید.

فقهای اسلام اتفاق نظر دارند که اقرار از ادله اثبات کننده قتل است.

در این که با یک بار اقرار قتل ثابت می شود یا اینکه قتل با دوبار اقرار ثابت می گردد بین فقها اختلاف نظر وجود دارد.

شرایط اقرار اثبات کننده قتل

اقرار به قتل در صورتی اثبات کننده جنایت است که اقرار کننده شرعاً اهلیت اقرار را داشته باشد.

شرایط اهلیت اقرار عبارتند از:

- ۱- بلوغ و عقل: هرگاه کودک یا دیوانه ای اقرار به قتل کند پذیرفته نمی شود.
- ۲- اختیار: اگر کسی را وادار به اقرار کنند پذیرفته نمی شود.
- ۳- سفاقت و بی خردی: اگر سفیه اقرار به قتل خطایی کند پذیرفته نمی شود.

تعارض اقرار

هر گاه شخصی اقرار کند که مقتول را عمداً کشته و دیگری اقرار نماید که مقتول را اشتباهی به قتل رسانده، ولی دم مخیر است هر یک از آنها را که خواست تصدیق نماید.

هر گاه شخصی اقرار به قتل کند بعد دیگری بگوید که او بی گناه است و من قاتل هستم در این صورت دیه از بیت المال پرداخت می گردد.

بیّنه

یکی از ادله قضایی بیّنه یا گواهی دادن است، همه فقها فتوا دادند که با گواهی و بیّنه، دعاوی قضایی اثبات می گردد.

جز اینکه برای اثبات هر پدیده حقوقی لازم است بیّنه مربوط با آن پدیده ویژگی های مخصوص مربوط به آن پدیده را داشته باشد، و از هر بیّنه ای همه پدید های حقوقی قابل اثبات نیست.

کیفیت شهادت بر قتل عمد

- ۱- در صورتی که شهادت بر وقوع قتل عمدی باشد که موجب قصاص است فقط شهادت دو مرد پذیرفته می شود.
- ۲- لازم است دو مردی که شهادت می دهند عادل باشند.
- ۳- شهادت و گواهی باید شفاف باشد و الفاظ آن صریح در قتل باشد.
- ۴- گواهان باید در گواهی هماهنگ و همانند، شهادت بدهند.

قسامه

هرگاه صاحبان خون علیه شخصی ادعا نمایند که آن شخص قاتل است و ادعای آنها مستند به آثار جنایت و نشانه هایی باشد که در اصطلاح به آن «لوٹ» می گویند و از آن لوٹ ظن و گمان حاصل شود که مدعی راست می گوید.

اگر قتل عمد باشد صاحبان خون باید پنجاه قسم بخورند که شخص مظنون قاتل است، و در قتل خطایی یا شبه عمد بیست و پنج قسم کفایت می کند.

نکول

هرگاه خواننده از قسم خوردن خوداری کند و قسم نخورد و نیز قسم را به مدعی بر نگرداند در چنین صورتی در نظام دادرسی اسلام خواننده را «ناکل» می نامد یعنی از قسم خوردن خوداری کرده و قسم را به مدعی هم بر نگردانده و به عبارت دیگر، نکول از قسم کرده است.

نظر شیخ طوسی در صورت نکول خوانده

در صورتی که منکر از اقامه سوگند بابت تبرئه خودش امتناع کند مجدداً قسم به مدعی برمی گردد و با رجوع مجدد سوگند به مدعی واجب نیست به حدّ نصاب قسم بخورد، فقط یک قسم می خورد، اگر یک قسم را اقامه کرد ادعای او ثابت می شود اگر امتناع کرد منکر تبرئه می گردد.

اذن حاکم در قسامه

روشن است که قسامه جز با اذن حاکم و قاضی صحیح نیست. بنابراین سوگندهای قضایی آن سوگندهایی است که با اذن و اجازه حاکم شرع اقامه گردد.

برای حاکم شرع مستحب است که پیش از اذن و اجازه به قسم خوردن، آنها را موعظه نماید و از کبیره بودن قسم دروغ آنها را با خبر کند.

حکم قسامه نسبت به جراحتهای عضوی

یکی از راههای اثبات جراحتهای عضوی در دادگاه قسامه است. در صورتی که جراحتهای عضوی با قسامه اثبات می شود که اماره و علامتی علیه شخص مظنون وجود داشته باشد، چنان که ابن ادريس ادعای اجماع کرده است. اما شیخ طوسی لزوم وجود لوث و اماره را انکار کرده است.

تعداد قسم ها در جراحات

بعضی از فقها گفته اند: اگر ادعا گردد که جنایت عمدی بوده، و جنایت موجب دیه کامل است، مدعی باید پنجاه قسم اقامه نماید.

گروهی دیگر از فقها گفته اند: در صورتی که جنایت نسبت به اعضای که موجب دیه کامل صورت گیرد، شش نفر مرد از خویشان آسیب دیده سوگند می خورند خوانده جنایت را انجام داده است.

قانون مجازات اسلامی در قسامه جراحات

نصاب قسامه در جراحات عبارتند از :

- ۱- شش قسم در جراحاتی که موجب ديه کامل است.
- ۲- سه قسم در جراحاتی که موجب نصف ديه است.
- ۳- دو قسم در جراحات هایی که موجب ثلث یا ربع یا خمس ديه است.
- ۴- یک قسم در جراحات هایی که موجب سدس ديه یا کمتر است.

حکم متهم به قتل

فتوای فقها در مورد شخصی که مظنون به قتل است و لوٹ و اماره قتل به وسیله او وجود دارد مختلف است.

برخی از فقها گفته اند: سه روز بازداشت می شود.

برخی دیگر گفته اند: به مدت شش روز بازداشت می گردد. گروهی دیگر گفته اند: بازداشت شخص مظنون و متهم به قتل جایز نیست.

حکم کشف مقتول در اماکن عمومی

هر گاه مقتولی در مسجد جامع بزرگ، یا در خیابانی که محل رفت و آمد عموم مردم است، یا در میان ازدحام مردم از جهت آنکه قاتل او قابل شناسایی نیست، و یا اینکه ممکن است شخص خاصی قاتل او نباشد، از حیث اینکه جایز نیست خون مومنی ضایع گردد لازم است دیه او از بیت المال پرداخت گردد.

فصل چهارم قصاص اعضای بدن

هدف کلی:

با مطالعه این فصل دانشجو با قصاص اعضای بدن آشنا می شود.

هدف های رفتاری:

از دانشجو پس از مطالعه این فصل انتظار می رود که :

حکم قصاص اعضا را تعریف کند.

شرایط قصاص اعضا را توضیح دهد.

نحوه انجام قصاص را توضیح دهد.

حکم قصاص اعضا

در دیدگاه اسلام، جنایت انسانها به یکدیگر موجب قصاص است، چه این جنایت نسبت به نفس انجام گیرد یا نسبت به اعضا.
اگر شخصی نسبت به شخص دیگر مرتکب جنایت گردد، شخص آسیب دیده حق دارد همان جنایت را بر جنایتکار انجام دهد و از او قصاص به عمل آورد.

شرایط قصاص در اعضا

قصاص در اعضا در صورتی انجام می‌گیرد که شرایط قصاص کردن وجود داشته باشد.

همچنین لازم است میان عضو تلف شده شخص آسیب دیده با عضو جنایتکار تساوی از حیث سلامت وجود داشته باشد، مثلاً اگر جنایتکار دست معیوب و خشک کسی را جدا کرده دست سالم جنایتکار به سبب این جنایت قصاص نمی‌شود.

تساوی محل قصاص

شرط دوم در قصاص اعضا تساوی و برابری محل قصاص است.
مثلاً: دست به جای دست و پا به جای پا قصاص می شود در قبال دست
راست مصدوم، دست راست جنایتکار بریده می شود.
البته اگر جنایتکار دست راست نداشته باشد دست چپ او در قبال دست
راست مصدوم قصاص می شود.

قصاص سبب مرگ نشود

شرط سوم در قصاص اعضا این است که قصاص کردن سبب قتل جنایتکار نشود، بنابراین در زخم هایی قصاص است که :

اولاً: زخم ها را ای محدوده معین باشد.

ثانیاً: زخم باید به گونه ای باشد که قصاص آن زخم جنایتکار را در معرض مرگ قرار ندهد.

زخم های موجب قصاص

زخم هایی که موجب قصاص است عبارتند از:

- ۱- حارصه: جراحی که پوست سر را بشکافد.
- ۲- باضعه: زخمی که در پوست سر بسیار فرو رود ولی به حدی نیست که به جراحات سمحاق برسد.
- ۳- سمحاق: زخمی که به پوست نازکی که استخوان را پوشیده است برسد ولی آن را پاره نکند.
- ۴- موضعه: جراحی در سر که به استخوان می رسد و سفیدی آن را آشکار می کند.

زخم هایی که قصاص ممکن نیست

هرگاه جراحات به گونه ای باشد که قصاص کردن آن ممکن است به مرگ منجر گردد آن زخمها قصاص نمی شود. مثلاً هرگاه زخم وارده بر سر مصدوم «هاشمه» باشد یعنی جراحی که حیث عمق به استخوان سر رسیده و آن را شکسته است، یا «منقله» یعنی جراحی که به جابه جا کردن استخوان نیازمند است، همچنین در شکسته شدن استخوان، قصاص صورت نمی گیرد.

قصاص پس از جنایت

مشهور فقها گفته اند:

جایز است پیش از بند آمدن خون زخم مصدوم و بهبودی آن از جنایتکار
قصاص به عمل آید.

شهید اول معتقد است:

قبل از بهبودی زخم جایز است قصاص انجام گردد، اما بهتر است که صبر
نماید تا اینکه زخم بهبود پیدا کند.

کیفیت اعمال قصاص

هر گاه قصاص نسبت به زخم های سر انجام شود، لازم است ابتدای موی سر مربوط به محل قصاص تراشیده گردد تا محل قصاص، کامل آشکار گردد ، آنگاه اندازه جراحت مصدوم مشخص می شود و به همان اندازه روی سر جنایتکار علامت گذاری می شود، سپس سر جنایتکار را به اندازه طول و عرض معین شده می شکنند.

قصاص چشم

هرگاه صدمه و آسیب بر چشم کسی وارد گردد، چشم جنایتکار قصاص می شود، حتی اگر مجرم فقط یک چشم بینا داشته باشد.

هر چند قصاص موجب کوری مجرم گردد، و سبب کور شدن کامل مجرم، فعل خود او و استیفا و دریافت حق است، و از روی ستم او را نابینا نکرده اند.

قصاص در صورتی که مصدوم یک چشم داشته باشد

اگر کسی دو چشم دارد صدمه به کسی بزند که فقط یک چشم بینا دارد، در این صورت بین فقها اختلاف نظر وجود دارد.

برخی از فقها گفته اند:

یک چشم مجرم در مقابل یک چشم مصدوم کور می شود و نصف دیه به مصدوم پرداخت می گردد.

بعضی دیگر از فقها گفته اند:

مصدوم حق دارد فقط یک چشم مصدوم را قصاص کند یا پانصد دینار دیه دریافت کند.

قصاص مو

هرگاه جنایت نسبت به موی سر، ابرو و یا پلک های چشم و صورت انجام گیرد به گونه ای که موی مصدوم کنده شود و بریزد، مصدوم حق دارد قصاص کند اما لازم است برابری قصاص با جنایت رعایت شود. اگر رعایت همانندی ممکن نباشد قصاص جایز نیست.

قصاص گوش

گوش سالم در برابر گوش کر قصاص می شود، زیرا شنیدن فایده جدا و مستقل گوش می باشد، به همین جهت دیه شنوایی غیر از دیه گوش است. اما اگر لاله گوش معیوب باشد، مثلاً نرمه گوش بریده بوده، گوش سالم جنایتکار در مقابل گوش نیمه بریده مصدوم قصاص نمی شود.

قصاص بینی

بینی دارای حس درمقابل بینی فاقد حس قصاص می شود. زیرا احساس بینس غیر از خود بینی است، لذا بینی دیه مستقل دارد و حس بویایی دیه مستقل دیگر دارد.

همچنین بلندی، پهنی، بزرگی و کوچکی بینی موجب تفاوت در سلامتی بینی نمی شود.

قصاص دندان

هر فرد بالغ دارای سی و دو دندان است و دندانها از حیث اسم همانند هستند ولی از حیث کاربرد با هم تفاوت دارند، لذا در قصاص، دندان در مقابل همانند خودش قصاص می شود.

مثلاً دندان ثنایی در مقابل دندان ثنایی قصاص می گردد و دندان رباعی در مقابل رباعی قصاص می شود.

تقسیم دندانها

دندانها به چهار قست تقسیم شده اند که عبارتند از:

- ۱- ثنایا: دندانهایی که در جلو و مقابل لبها و بینی واقع شده و چهار عدد است.
- ۲- رباعیات: چهار عدد است، دو عدد در فک بالا و دو عدد در فک پائین
- ۳- آسیاب یا نیش: چهار دندان است و در دو طرف رباعیات قرار گرفته اند.
- ۴- اضراس: دندانهایی کرسی است که بعد از آسیاب واقع شده اند.

اسقاط دندان شیری کودک

اگر در اثر تعدی و ستم دندان کودک ساقط گردد منتظر روئیدن مجدد آن می شوند، اگر بر خلاف متعارف دندان جدید نروید قصاص صورت می گیرد ، اما اگر مطابق متعارف و عادت دندانش روید قصاص صورت نمی گیرد. لکن بابت مدتی که دندانش از بین رفته، باید دیه پرداخت گردد که به آن حکومت گفته می شود.

حق تقدّم در قصاص

هرگاه متعدّی انگشت مردی را ببرد، سپس دست مرد دیگری را که انگشت کامل دارد را قطع نماید، نخست انگشت مجرم قطع می‌گردد چون که حق تقدّم در قصاص دارد.

سپس دست مجرم بریده می‌شود، ولی چون مرد دوم حق خودش را کامل دریافت نکرد، بابت انگشت از مجرم دیه می‌گیرد.

فصل پنجم احکام قصاص

هدف کلی:

با مطالعه این فصل دانشجو با احکام قصاص در موارد مختلف آشنا می شود.

هدف های رفتاری:

پس از مطالعه این فصل از دانشجو انتظار می رود که:

حکم قصاص را تعریف کند.

حکم مجنی علیه را تعریف کند.

استجاب حضور شاهد را در زمان قصاص بیان کند.

احکام قصاص

هرگاه قتلی عمداً واقع گردد حکم واجب در آن قتل، قصاص است، یعنی صاحبان خون می توانند قصاص کنند.

هرگاه قتل خطایی یا شبه عمد باشد حق اولیای دم گرفتن دیه است.

اگر اولیای دم و قاتل با همدیگر به دیه صلح کنند، جایز است دیه پرداخت گردد.

وجوب پرداخت دیه بر قاتل

در قتل عمد واجب قصاص است ولی اگر ولی دم قبول کند که دیه بپذیرد در این که بر قاتل پرداخت دیه واجب باشد فقها اختلاف نظر دارند.

برخی از فقها گفته اند:

پرداخت دیه واجب است چون حفظ نفس متوقف بر پرداخت دیه است.

در مقابل عده دیگر گفته اند:

پرداخت دیه بر قاتل واجب نیست.

هرگاه مجنی علیه بعد از جنایت بمیرد

هرگاه فردی که مورد جنایت واقع شده و در اصطلاح او را مجنی علیه می نامند، و جنایت هم نسبت به اعضای او صورت گرفته ، و مجنی علیه هم درگذشته و معلوم است که سبب فوت مصدوم همان جنایت بوده است، جنایتکار قصاص می شود.

ولی اگر سبب درگذشت او مشکوک باشد مجرم قصاص نمی شود.

حضور شاهد در قصاص

قصاص حق منجی علیه یا حق اولیای مقتول است و آنها می توانند بدون حضور شاهد قصاص را انجام دهند.

بر حاکم شرع مستحب است که در هنگام انجام قصاص دو شاهد عادل را حاضر نماید، حضور دو شاهد با احتیاط نیزسازگاری دارد.

زیرا اگر نسبت به استیفای حق اختلاف شود، حضور شهود، راه اختلاف را می بندد.

ابزار و کیفیت قصاص

پیش از انجام قصاص بر حاکم شرع لازم است که ابزار و آلت قصاص را بررسی و آزمایش نماید.

زیرا امکان دارد استیفا کننده حق آن ابزار را مسموم نموده باشد، مخصوصاً اگر قصاص عضو صورت می گیرد، زیرا در قصاص عضو، کشتن مجرم، مراد نیست.

حکم مثله کردن جنایتکار

مثله کردن به معنای بریدن گوش، بینی، دست و پا و امثال آن یک شخص می باشد.

هرگاه فردی، شخص دیگر را مثله کرد، آیا در قصاص جایز است جنایتکار را مثله نمود؟

فقها غیر از ابن جنید اتفاق و اجماع دارند که مثله کردن مجرم در قصاص جایز نیست، حتی اگر جنایت مجرم، مثله کردن مقتول باشد.

یک ضربه و ایجاد چند خسارت

اگر کسی به دیگری یک ضربه وارد کند و از آن یک ضربه دو جنایت حاصل شود، ضارب ملزم به تاوان سنگین ترین جنایتها می شود.

اگر دو ضربه می زد و دو جنایت حاصل می شد ملزم به تاوان هر دو جنایت بود مگر این که موجب مرگ مصدوم شود که فقط قصاص انجام می شود.

در صورتی که قصاص اعضا منجر به مرگ شود

هرگاه قصاص اعضا از مجرم منجر به مرگ او گردد، قصاص کننده ضامن او نیست، زیرا قصاص، کاری شرعی بوده است و انجام کار شرعی مستلزم ضمان نیست.

اگر قصاص کننده از مقدار مجاز تعدی نماید و تجاوز او عمدی باشد، نسبت به مقدار تعدی خودش قصاص می شود، اگر خطایی باشد باید دیه مقدار اضافی را بپردازد.

اجرت قصاص کننده

مزد قصاص کننده از بیت المال پرداخت می گردد، چون که بیت المال برای مصالح جامعه اسلامی است، از جمله مصالح جامعه اسلامی، کیفر دادن جنایت کاران و قصاص نمودن آنها است.

اگر بیت المال موجود نبود، چون قصاص به مصلحت مجنی علیه است، پس هزینه اش بر عهده اوست.

ارت قصاص

قصاص حق الناس و حق مجنی علیه است، و اگر مجنی علیه در اثر جنایت درگذشت، قصاص کردن حق وارثین اوست.

قصاص از جمله حقوقی است که اگر مجنی علیه آن را اعمال نکرده و به سببی غیر از سبب جنایت درگذشت، وارثین حق اعمال آن را دارند.

ارث زن و شوهر از قصاص

به اجماع فقها زن و شوهر از قصاص ارث نمی‌برند، یعنی اگر در اثر جنایت زن به قتل رسید، شوهر و ارث قصاص نیست.
اما اگر قتل خطایی یا شیه عمد باشد، یا اینکه قتل عمد به دیه مصالحه شود زن یا شوهر از دیه ارث می‌برند.

اذن حاکم و استیفای قصاص

در استیفای قصاص صاحبان خون مستقل هستند، یا استیفای آن بستگی به اذن امام و حاکم شرع دارد؟

میان فقها اختلاف است.

برخی گفته اند:

استیفای قصاص نیاز به اذن حاکم ندارد.

گروهی دیگر از فقها گفته اند:

انجام قصاص متوقف بر اذن امام است چه قصاص نفس باشد یا قصاص اعضا.

استیفای قصاص در صورت تعدد صاحبان خون

اگر صاحبان خون گروهی و همه بالغ و عاقل باشند اما بعضی ها غایب باشند در این صورت بعضی فقها گفته اند:

افراد حاضر منتظر غایبین نمی مانند لکن ضمانت سهم بقیه افراد را می نمایند.

گروهی دیگر از فقها گفته اند:

قصاص حق همه افراد است، پس باید با اذن همه افراد انجام گیرد، اگر بدون اذن همه افراد باشد، قصاص کنندگان تعزیر می شوند.

حکم مصالحه به ديه

هرگاه صاحبان خون متعدد باشند و بعضی مصالحه به ديه نمایند، آیا حق قصاص از ديگران ساقط می شود؟

بر اساس بعضی از روایات هرگاه عده ای از صاحبان خون سهم خودشان را به ديه مصالحه نمایند حق قصاص از بقیه نیز سلب می شود.
اما نظر مشهور فقها این است که گذشت یا مصالحه موجب سلب حق قصاص دیگر افراد نیست.

حکم مشارکت پدر با بیگانه در قتل فرزند

هرگاه پدر و بیگانه در کشتن فرزند مشارکت داشته باشند، بیگانه قصاص می شود و پدر مقتول نصف دیه بابت قصاص شدن بیگانه را به وارثین بیگانه می پردازد، به جهت آنکه بابت کشتن فرزند قصاص نمی شود.

حکم مشارکت مسلمان و کافر در قتل ذمی

اگر مسلمان و کافر در کشتن ذمی مشارکت داشته باشند، کافر قصاص می شود و مسلمان نصف دیه را به وارثین قصاص شده می پردازد، چون که تساوی و برابری میان مسلمان و کافر ذمی وجود ندارد تا اینکه مسلمان بابت آن قصاص گردد.

استیفای قصاص سفیه و مفلس

کودک و دیوانه از هر گونه تصرفی محجور هستند، سفیه (کم خرد) و ورشکسته (مفلس) از تصرفات مالی محجورند ولی می توانند اعمال قصاص کنند زیرا قصاص عرفاً مال محسوب نمی شود.
همچنین اهلیت عفو را نیز دارا هستند و می توانند از قصاص بگذرند.

بدهکاری و مانعیت قصاص

هرگاه مقتول بدهکار باشد آیا صاحبان خون حق دارند بدون ضمانت نمودن بدهکاری او، قاتل را قصاص کنند؟ یا اینکه لازم است قصاص را مصالحه به دیه نمایند و با دیه دین او بپردازند؟

برخی گفته اند:

اگر وارثین مقتول بدهکاری را ضمانت نمایند می توانند قاتل را قصاص کنند.

وکالت در استیفای قصاص

انجام قصاص مشروط بر این نیست که اولیای خون خودشان آنرا انجام دهند لذا جایز است شخص دیگر را وکیل در استیفای قصاص قرار دهند. چون وکالت عقد جایز است فسخ آن متوقف بر چیزی نیست. اگر موکل وکیل را عزل نماید و او پیش از با خبر شدن از عزل استیفای قصاص نماید چیزی بر عهده وکیل نیست.

عفو موکل بعد از نصب وکیل

اگر موکل بعد از نصب وکیل قاتل را از قصاص عفو نماید و وکیل بعد از عفو موکل و پیش از خبر و اطلاع از عفو و استیفای قصاص کند، قصاص نمی شود.

ولی چون بعد از عفو، وکالت او باطل گردیده، بر او واجب است دیه قصاص شده را به وارثین او بپردازد، ولی از موکل خودش دیه را می گیرد.

گریختن قاتل و هلاکت او

هرگاه شخصی که مرتکب قتل عمد گردیده بگریزد و پس از گریختن به هلاکت برسد ، ابن ادریس گفته است:

با به هلاکت رسیدن او قصاص ساقط می گردد و چیزی بر نزدیکان قاتل نیست.

بعضی از فقها گفته اند:

با انتفای قصاص لازم است دیه پرداخت شود .

بخش سوم دیات

هدف کلی:

دانشجو با مطالعه این بخش با مباحث دیات اسلامی آشنا می شود.

فصل اول موجبات دیه

هدف کلی:

پس از مطالعه این فصل دانشجو با موجبات دیه و مقادیر دیه بر نفوس و حیوانات و میّت آشنا می شود.

هدف های رفتاری:

پس از مطالعه ای فصل از دانشجو انتظار می رود که:
فلسفه دیه را توضیح دهد.

اسباب وجوب دیه را توضیح دهد.

حکم جنایت در حال خواب را بیان کند.

دیه

دیه یعنی خون بها ، مقصود از آن مالی است که بابت جنایت نسبت به جان یا آسیب رساندن به اعضای شخصی واجب است مجرم بپردازد.
برخی از فقها فرمودند:
دیه خون بهایی است که مقدار آن در شرع معین گردیده است.
خون بهایی که مقدار آن شرعاً معین نیست «ارش» یا «حکومت» نامیده می شود.

چرا ديه را عقل ناميدند؟

ديه همچون قصاص مانع خونريزي و آدم كشي است. چون ديه سبب جلوگيري از خونريزي است آن را «عقل» هم ناميده اند، چون يكي از معناهاي عقل منع كردن است. همچنين ديه از هدر رفتن خون افراي كه شرعاً ريختن خون آنها ممنوع است ممانعت مي نمايد.

اسباب وجوب ديه

اسباب وجوب ديه، جنایت خطایی یا شبه عمد است.
اگر جنایت عمدی باشد حکم آن قصاص است، اگر به عوض قصاص مصالحه
به ديه نمایند ديه واجب می شود.
اما اگر جنایت خطایی یا مشابه خطا باشد در شرع حکم به وجوب ديه گردیده
که جنایتکار باید آن را بپردازد.

مسئولیت مدنی پزشک

هرگاه به وسیله معالجه پزشک قتلی واقع شود نسبت به ضمانت یا عدم ضمانت پزشک اختلاف است. در حالی که اختلافی در ضمان پزشک غیر متخصص نیست.

اگر متخصص باشد و با اجازه به معالجه بپردازد این ادريس معتقد است که ضامن نیست، دیگر فقها اذن را نافی ضمانت ندانسته اند.

ابرای پزشکی

از اسباب اسقاط حق و اسقاط تعهد «ابراء» است.
ابراء یعنی از خود گذشتن، بنابراین در ابراء لازم است که حقی ثابت باشد.
برخی تبرئه پزشکی پیش از عملیات پزشکی را صحیح ندانسته اند.
مشهور فقها تبرئه پزشکی را صحیح دانسته و بر این حکم ادعای اجماع نیز شده
است.

جنایت در حال خواب

هرگاه جنایتی در حال خواب واقع شود در شبه عمد یا خطایی بودن آن اختلاف است.

بعضی از فقها آنها را جنایت شبه عمد دانسته و دیه از مال جانی پرداخت می شود.

برخی از فقها آن را خطای محض دانسته، چون نه قصد فعل را داشته و نه اراده جنایت، و دیه را باید عاقله بپردازد.

جنایت هنگام حمل بار

هرگاه در اثر باربری جنایت واقع شود مثلاً بار روی فردی بیفتد، حامل بار ضامن است.

مشهور فقها این جنایت را شبه عمد دانسته اند از جهت آنکه اراده به فعل یعنی، باربری داشته لذا شبه عمد است.

اما شهید ثانی به نظریه مشهور ایراد گرفته و جنایت را خطای محض دانسته است.

بانگ زدن در بی خبری

اگر در حالت بی خبری و غفلت کسی به فرد سالم و بالغ بانگ زند و مرگ اتفاق افتد جنایت شبه عمد است و دیه بر عهده بانگ زننده است.

شیخ طوسی بانگ بر فرد بالغ و سالم در حالت بی خبری را جنایت خطایی محض دانسته است.

هرگاه بانگ بر کودک دیانه و بیمار زده شود، جنایتی واقع شود شبه عمد است.

حکم صدمه زدن در بی خبری

هرگاه کسی با دیگری برخورد نماید و از برخورد و به هم کوفتن صدمه ای به دیگری بزند، جنایت او شبه عمد است.

اگر مصدوم در ملک مباح بوده و صدمه زننده با مصدوم برخورد کرد و صدمه زننده در گذشت خون او هدر است.

هرگاه دو نفر با یکدیگر برخورد کنند و هر دو بمیرند وارث هریک از آنها حق دارد نصف دیه را از وارث دیگری دریافت نماید.

هشدار تیر انداز

هرگاه شخصی در مکان مباح تمرین تیر اندازی می کند در حالی که دیگران در آنجا رفت و آمد می کنند ، تیر انداز اعلان خطر کرده، و دیگران هشدار او را شنیده ولی بی اعتنایی نموده و تیر به آنها برخورد کند تیر انداز ضامن جنایت وارده بر آنان نیست.

پرتاب شدن از بلندی و افتادن روی شخص دیگر

هرگاه شخصی به قصد افتادن روی دیگری از بلندی پرتاب شود در صورتی که آن گونه پرت شدن غالباً کشنده نباشد ولی شخصی که در زیر واقع شده کشته گردد جنایت شبه عمد است.

اگر پرت شدن به گونه ای بوده که غالباً کشنده است جنایت عمدی و قاتل قصاص می شود.

پرت کردن فردی دیگری را روی سومی

در قانون مجازات اسلامی آمده است:

هرگاه کسی شخصی را بر روی شخص سومی پرتاب کند و آن شخص ثالث بمیرد یا مجروح گردد در صورتی که نه قصد جنایت داشته باشد و نه کاری را که قصد کرده نوعاً سبب جنایت باشد شبه عمد محسوب و عهده دار دیه می باشد.

فصل دوم مقادیر دیه

هدف کلی:

پس از مطالعه این فصل دانشجو با مقادیر دیه و موارد مختلف آشنا می شود .

هدف های رفتاری:

پس از مطالعه این فصل از دانشجو انتظار می رود که :

مقدار دیه نفس در قتل عمد را بیان کند.

مقدار دیه نفس در قتل شبه عمد و قتل خطایی را توضیح دهد.

مقدار دیه جنایت در ماهای حرام و در حرم را بیان کند.

دیه نفس

دیه قتل نفس یکی از امور شش گانه زیر است که عبارتند از:

- ۱- صد شتر
- ۲- دویست رأس گاو سالم
- ۳- دویست دست لباس حله
- ۴- هزار رأس گوسفند سالم
- ۵- یک هزار دینار سالم که هر دینار یک مثقال شرعی است.
- ۶- ده هزار درهم سالم

مدت پرداخت دیه

دیه قتل عمد تا پایان سال باید پرداخت گردد.
دیه قتل شبه عمد در دو قسط و در طی دو سال پرداخت میشود.
دیه قتل خطایی در سه قسط و در طی سه سال پرداخت می گردد.
دیه عمد و شبه عمد از مال قاتل و خطایی محض، از مال عاقله پرداخت
می شود.

جنایت در ماههای حرام

هرگاه کسی در یکی از ماههای حرام یعنی:

ذی القعدة، ذی الحجه، محرم و رجب مرتکب قتل گردد، یا اینکه در حرم مکه معظمه مرتکب قتل شود از باب تشدید مجازات، یک سوم بر مبلغ دیه اضافه می شود. زیرا قتل در مکه یا ماههای حرام، سبب شکستن احترام مکه و آن ماهها می شود.

دیه سایر موارد

دیه زن نصف دیه مرد و دیه خنثی سه چهارم دیه مرد است.
دیه زخم هایی که کمتر از یک سوم کل دیه باشد، نسبت به زن و مرد و خنثی برابر است.
دیه کافر نَمّی در صورتی که مرد باشد، هشتصد درهم و در صورتی که زن باشد چهارصد درهم است.

دیه دندان

مجموع بیست و هشت دندان دیه کامل دارند.
دوازده دندان جلویی که عبارتند از: ثنایا، رباعیه و نیش در فک بالا و پائین که هر یک پنجاه دینار و مجموع آنها ششصد دینار دیه دارند.
شانزده دندان کناری که عبارتند از: دندان خنده و آسیاب هر یک بیست و پنج دینار در مجموع چهارصد دینار دیه دارند.

دیه از بین رفتن شنوایی

هرگاه شنوایی هر دو گوش با هم از میان برود دیه کامل می پردازد، اما اگر متخصص نظر دهد که بعد از مدتی بازگردد، آن مدت را منتظر می مانند، اگر بازگشت نمود، ارزش آن مدت را می پردازد.

اگر با یک ضربه زخم و انهدام شنوایی حاصل گردد، دو دیه دارد، و در از بین رفتن شنوایی کامل یک گوش، نصف دیه دارد.

دیه از بین رفتن بینایی

از بین بردن بینایی هر دو چشم با هم دیه کامل دارد، خواه آنکه حدقه چشم را بکند یا اینکه نور بینایی از بین برود.

هرگاه گواهی به جنایت غیر عمدی باشد، شهادت یک مرد و دو زن نیز پذیرفته می شود.

اگر ادعا کند بینایی یکی از چشم هایش ضعیف شده آن را با چشم دیگرش می سنجند.

دیه از بین رفتن حس بویایی

از بین رفتن حس بویایی در هر دو طرف سوراخ بینی با هم دیه کامل دارد، اگر یکی از آنها از بین برود دیه اش نصف است.

اگر ادعا کند که حس بویایی او از بین رفته، با چیزهای خوش بو و بد بو امتحان می شود، اگر مشخص نشد، قسامه اقامه می کند.

اگر بینی را ببرد و قوه بویایی از بین برود دو دیه یکی برای بینی و دیگری برای قوه بویایی دارد.

دیه حس چشایی

برخی از فقها گفته اند:

از بین رفتن قوه چشایی دیه کامل دارد.

مستند آن روایتی است که می فرماید:

هر چیزی که در انسان یکی باشد دیه کامل دارد.

برای اثبات از بین رفتن قوه چشایی به ادعای مصدوم توجه می شود، اگر

مصدوم ادعا کرد برای ادعایش قسامه اقامه می گردد.

دیه از بین رفتن صدا

هر گاه جنایت، موجب از میان رفتن صدا گردد، در حالی که زبان سالم باشد، دیه کامل دارد.

اگر با از بین رفتن صدا، حرکت زبان از بین برود، علاوه بر دیه کامل، دو سوم دیه، بابت فلج شدن زبان باید پردازد.

دیه عدم تکلم و صدا تداخل می نماید یک دیه دارد.

اما اگر هر یک جدا جدا اتفاق بیفتد، هر یک جداگانه دیه کامل دارد.

فصل سوم

مقادیر ديه بر زخم و جراحت سر و صورت

هدف کلی:

با مطالعه این فصل دانشجو با مقادیر زخم و جراحت سر و صورت و مفهوم حکومت ارش آشنا می شود.

هدف های رفتاری:

پس از مطالعه این فصل از دانشجو انتظار می رود که:

انواع جراحت سر و صورت را ذکر کند.

مقدار ديه هر کدام از جراحات سر و صورت را توضیح دهد.

مفهوم حکومت و ارش را ذکر کند.

جراحات سر و صورت و ديه آن

- زخم هایی که بر سر صورت وارد می شود هشت قسم می باشد که عبارتند از:
- ۱- حارصه: زخمی که فقط پوست شکافته می شود، ديه آن یک شتر است.
 - ۲- داميه: زخمی که کمی گوشت را گرفته و ديه آن دو شتر است.
 - ۳- باضعه: زخمی که به پوست نازک روی استخوان نرسیده است ديه آن سه شتر است.
 - ۴- سمحاق: زخمی که به پوست نازک روی استخوان می رسد و ديه آن چهار شتر است.

- ۵- موضحه: زخمی که سفیدی استخوان را نشان می دهد و ديه آن پنج شتر است.
 - ۶- هاشمه: زخمی که استخوان شکسته می شود و ديه آن ده شتر است.
 - ۷- منقله: زخمی که استخوان را شکسته و نیاز به انتقال استخوان دارد و ديه آن پانزده شتر است.
 - ۸- مأ مومه: زخمی که به کیسه مغز سر می رسد، ديه آن یک سوم ديه است.
- و اما دامغه: زخمی که کیسه مغز را پاره کند در صورت بهبودی مصدوم علاوه بر یک سوم ديه ، حکومت نیز پرداخت می شود.

دیه جائفه و نافذه

جائفه: زخمی که وارد بدن گردد، فرقی نمی کند که این زخم در کدام قسمت بدن باشد. دیه آن یک سوم دیه کامل است.

نافذه: زخمی که به وسیله تیر، خنجر، کارد و امثال آن در سوراخ بینی فرو می رود، دیه آن یک سوم دیه کامل است، اگر بهبودی یافت یک پنجم دیه کامل دیه دارد.

مفهوم حکومت و ارزش

در نظام کیفری اسلام خون بهای جنایت که اندازه معین و مشخص دارد ،
دیه نام دارد.

خون بهای آن جنایتی که در شرع مشخص نشده و با نظر کارشناس و
متخصص تعیین می گردد، ارزش و حکومت نامیده می شود.
در قانون مجازات اسلامی آمده است:

با در نظر گرفتن دیه کامل انسان، و نوع کیفیت جنایت، میزان خسارت وارده
طبق نظر کارشناس ارزش تعیین می شود.

حکم قصاص و دیه کسی که ولی ندارد

در نظام حقوقی اسلام، کسی که سرپرست ندارد حاکم شرع ولی اوست که در صورت جنایت عمدی به او حق تقاضای قصاص جانی را دارد، و در جنایت شبه عمد و خطایی محض دیه و خون بها او را دریافت می نماید. در اینکه ولایت حاکم شرع مطلق باشد یعنی او حق عفو از قصاص و دیه را داشته باشد اختلاف است.

فصل چهارم دیه سایر جنایت

هدف کلی:

با مطالعه این فصل دانشجو با دیه جنایت بر میت و حیوانات آشنا می شود.

هدف های رفتاری:

پس از مطالعه این فصل از دانشجو انتظار می رود که :

دیه جنایت بر میت را توضیح دهد.

مفهوم عاقله را بیان کند.

کیفیت تقسیط دیه بر خویشاوندان را توضیح دهد.

دیه جنایت بر میت

بریدن سر میت مسلمان، زن باشد یا مرد، بزرگ باشد یا کودک صد دینار دیه دارد دارد.

جراحی‌هایی که بر میت انجام می‌شود، نسبت به دیه سر محاسبه می‌شود. یعنی دیه سر او را دیه کامل حساب می‌کنند، هر عضوی که نصف دیه دارد دیه اش پنجاه دینار است.

دیه جنایت بر میت بر وارثین او به ارث نمی‌رسد بلکه در امور خیرات از طرف میت مصرف می‌شود.

عاقله

عاقله کسانی هستند که متحمل پرداخت دیه جنایت خطایی محض می شوند.
عاقله جنایتکار کسانی هستند که از طریق پدر به جنایتکار نزدیک هستند
یعنی خویشاوندان پدری مانند برادران، عموها و فرزندان آنها که در طبقه
دوم و سوم وارثین دیه قرار دارند.

ولایت

در نظام حقوقی اسلام اهل ولاء عبارتند از:

- بردگان آزاد شده یعنی شخصی که بردگانی را آزاد می کند با آنها رابطه ولایی دارد.

- ضامن جریره: کسانی که با همدیگر قرارداد می بندند که ضامن جنایتهای همدیگر باشند.

- امام و حاکم شرع یعنی دولت اسلامی.

تقسیم دیه بر خویشاوندان

نسبت به کیفیت تقسیم دیه بر خویشاوندان اختلاف است.

شیخ طوسی و ابن ادریس گفته اند:

حاکم شرع و امام دیه را میان آنها تقسیم می کند.

شیخ طوسی در محل دیگر و ابن برّاج گفته اند:

بر اساس ثروت و فقر تقسیم می شود، ثروتمند نصف دینار و فقیر یک چهارم دینار.

شهید اول فرمودند:

به ترتیب طبقات ارث تقسیم می شود و از نزدیک ترین طبقه شروع می شود.

کفاره قتل

در نظام کیفری اسلام، قتل علاوه بر دیه، کفاره هم دارد.
کفاره قتل شبه عمد و قتل خطایی کفاره مرتبه است، یعنی اول آزاد کردن
یک برده، اگر پیدا نشد واجب است دو ماه روزه بگیرد، اگر نتوانست، شصت
فقیر را طعام دهد.
کفاره قتل عمد، کفاره جمع است.
کفاره قتل بر مباشر قتل واجب است نه بر مسبب قتل.

جنایت بر حیوانات

هرگاه کسی حیوانی، که ذبح شرعی می شود را ذبح کند چه حلال گوشت باشد مانند گاو و گوسفند یا این که حلال گوشت نباشد اما به تذکیر از پوست و امثال آن استفاده می شود مانند شیر و پلنگ بر او واجب است ارش بردارد. یعنی مابه التفاوت قیمت زنده بودن و تذکیر شدن آن را بردارد. آیا مالک اختیار دارد به جای ارش قیمت زنده آن را مطالبه کند؟ بین فقها اختلاف نظر وجود دارد.

دیه حیوانات اهلی

حیواناتی که اهلی هستند در صورت تلف دیه آنها به شرح زیر می باشد:

- ۱- سگ شکاری که دیه اش چهل درهم است.
- ۲- سگ گوسفند و گله که دیه آن یک گوسفند نر شاخ دار- کبش- است.
- ۳- سگ دیوار و باغ، دیه آن بیست درهم است.
- ۴- سگ مزرعه که دیه آن یک قفیز گندم یا جو و امثال آن است.

موفق و پیروز باشید

دکتر محمد حسین شعبانی

www.salampnu.com

سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

www.salampnu.com